

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

داکتر عباس آزادیان



زنان: مسایل، مشکلات و امکانات فصل اول

قسمت اول: طلاق

من سردم است و از گوشوارهای صدف بیزارم،
من سردم است و میدانم،
که از تمامی او هام سرخ یک شقایق وحشی،
جز چند قطره خون چیزی به جا نخواهد ماند.
فروغ فرخزاد

من سعی کرده ام که در نوشته های مختلف مسائل و مشکلات خانواده در مهاجرت را در حد توان از زوایای متعدد مورد بررسی قرار دهم. دوست دارم در این نوشته ها توجه خود را به مسأله زنان و مهاجرت معطوف کنم. البته تحت این عنوان مسایل متعددی مطرح میشود مثل مسأله طلاق، خشونت علیه زنان، استقلال زنان و نقش آنها در خانواده، امکانات جدید مهاجرت در خدمت زنان و موفقیت‌های آنان و در نهایت بحث هویت زنان در خانواده و در مهاجرت و من سعی خواهم کرد به بعضی از این مسائل توجه بکنم. شکی نیست که بسیاری از مسائل فوق موضوعاتی هستند که در داخل ایران هم مورد توجه هستند و نظرات مختلفی در مورد آنها وجود دارد و در آنجا جدلها و رویارویی های فراوانی هم وجود داشته است و این رویارویی ها ادامه خواهد یافت. شکی نیست که تا رسیدن به نوعی تعادل منطقی و سالم در عرف و در قانون که حقوق زنان و برابری آنها را

تضمین کند تلاشها و مبارزات جدی در پیش است و رسیدن به این اهداف تا حد زیادی به حضور زنان در میدان و مبارزات آنان برای رسیدن به حقوق خودشان بستگی دارد. به نظر هم نمیرسد که در چهارچوب دولت اسلامی در ایران برای بسیاری از این مسایل راه حلهای منطقی قابل تصور باشد.

طلاق در ایران

خانم تحصیل کرده ای را در نظر بگیرید که ۱۰ سال پیش ازدواج کرده است. در نهایت و بعد از تحمل عذابهایی مختلف، در یک مرحله بسیار دشوار زندگی، و به دلیل خشونت شدید شوهرش، تصمیم میگیرد به پلیس تلفن بزند. وقتی پلیس به خانه می آید عوارض ضرب و شتم در سرتاسر بدن این خانم وجود داشته است. میگوید که حتی در این موقع هم نمیخواسته به پلیس خبر بدهد ولی شوهرش آنچنان گلویش را گرفته بود و فشار میداد که در حال خفه شدن بود. با دیدن این حالت صورت شوهرش، بود که این خانم احساس کرد که دفعه بعد حتماً کشته خواهد شد و در نتیجه به پلیس مراجعه کرد.

وقتی از خانم پرسیده میشود که چرا در این ۱۰ سال اقدام نکرده است و جدا نشده است میگوید، "باید این کار را میکردم. از روز بعد از عروسی خشونت را شروع کرد و به کتک زدن من پرداخت، ولی من از مخالفت خانواده ام میترسیدم. میدانستم که از من پشتیبانی نخواهند کرد به خصوص که با ازدواج من موافق نبودند. در واقع ازدواج کردم که از دست خشونت آنها در خانه راحت بشوم. از چاله در آمدم و به چاه افتادم. همه اش از حرف مردم میترسیدم و این که طلاق گرفتن را به عنوان شکست و ناتوانی خود در حل مشکلاتم میدیدم. فکر میکردم یک موقع مسایل درست خواهد شد". علی رغم شیوع عمومی خشونت علیه زنان درصد طلاق تا این اواخر در ایران بسیار پایین بوده است. تا این اواخر درصد طلاق در کل ایران ۱۰٪ و در تهران حدود ۲۰٪ بوده است. اگر شرایط نا هنجار روابط خانوادگی و خشونت و زن آزاری مزم را در نظر بگیریم این آمارها ارقام پایینی را نشان میدهند. به نظر میرسد که در ایران دولت سعی نمیکرده است تا به زور قوانین و از طریق سخت کردن و یا حتی غیر ممکن کردن جدایی برای زنان آمار طلاق را پایین نگاه دارد.

وقتی زنان با خشونت مداوم و شدید و انواع آزار و فشار روبرو میشوند یا باید بسازند و یا برای جدایی باید در برابر عوامل متعددی - عوامل شخصی، عوامل نهادی و مذهبی و عوامل فرهنگی - قد علم کنند و با آنها مبارزه کنند؛ مبارزه ای که در اکثر مواقع در آن تنها هستند و بدون پشتیبانی.

یک زن باید در مقابل خانواده، مذهب، فرهنگ، جامعه و حتی در مقابل احساسات درونی خود موضع گیری کند تا بتواند تصمیم به جدایی بگیرد. او باید در درجه اول در مقابل خانواده و فشارهای آنها موضع بگیرد. مذهب این خانم میگوید که زن خوب زنی است که هر سختی را در خانه شوهر تحمل میکند و در هر شرایطی از او اطاعت میکند. جامعه این زن به یک زن مطلقه به دیده تحقیر نگاه میکند، سعی میکند از او سوء استفاده کند و به اشکال مختلف زندگی را بر چنین زنی تنگ میکند. و از لحاظ فردی احساس شکست و سرافکنندگی از یک طرف و دل نگرانی برای آینده بچه ها از طرف دیگر از جمله عوامل درونی است که این زن را از اقدام علیه شوهرش باز میدارد.

اجازه بدهید نگاهی کلی به قوانین ایران بکنیم. در ایران حق طلاق در اختیار مرد است و زن فقط در موارد محدودی مثل ترک انفاق، عدم توانایی دادگاه برای الزام مرد به پرداخت نفقه و قرار گرفتن زن در شرایط دشوار میتواند تقاضای طلاق کند. عسر و حرج (یعنی قرار دادن زن در شرایط دشوار) شامل سوء رفتار زوج و یا ضرب و شتم که قابل تحمل نباشد، ابتلای زوج به بیماری صعب العلاج، محکومیت قطعی زوج به حبس بیش از ۵ سال، ترک زندگی خانواده به وسیله زوج به مدت شش ماه متوالی یا ۹ ماه متناوب در مدت یک سال و بدون عذر موجه و اعتیاد زوج به یکی از مواد مخدر و یا مشروبات الکلی است. البته اگر زن تقاضای طلاق کند ممکن است که مجبور شود از مهریه خود بگذرد.

این جنبه‌ها نشان دهنده محدودیت حق طلاق است برای زن و همینطور بیانگر دشواری شدید اثبات شرایط موجود برای طلاق میباشد به خصوص که بسیاری از زنان از این حقوق محدود خود هم آگاهی ندارند و در صورت مواجهه با مشکل و انواع و اقسام آزارها نمیدانند به کجا باید مراجعه کنند.

به تبعیض قانونی، مسایل و مشکلات اقتصادی و وابستگی شدید مالی زنان و فشارهای شدید و تصورهای تحقیرکننده جامعه از زن مطلقه را هم اضافه کنید و متوجه میشوید حاصل جز ماندن و زندگی کردن در زیر بار فشار شدید و در یک محیط مسموم و تنش‌زا و خطرناک چیز دیگری نخواهد بود.

شکی نیست که تلاش و فشار برای محدود کردن میزان طلاق در نهایت مؤثر واقع نخواهد شد و زنان با آگاهی بیشتر از حقوق خود به میزان روزافزونی درصدد برمی آیند که از زندگی خشونت‌بار فرار کنند. در نظر بگیریید که در سالهای اخیر درصد قبول شدگان زن در دانشگاههای ایران بیشتر از مردان بوده است و تا حد ۶۰٪ هم رسیده است. زنانی که سطح تحصیلات بالاتری به دست آورده‌اند و احتمالاً از موقعیت اجتماعی و به خصوص اقتصادی بهتری برخوردار خواهند بود، مجبور نخواهند بود که به زورگویی و محدودیتهای غیر انسانی تن بدهند. چندی پیش خبر گزارى دانشجویی ایران به نظرخواهی اشاره کرد که طبق آن تمایل دختران به ازدواج در حال کاهش است زیرا بسیاری از آنان زندگی مشترک را عامل محدود کننده در زندگی خود می‌پندارند.

نگاه به آمار دو سال اخیر از یک طرف اشاره به واقعیت تأسف بار ازدواجهای ناموفق دارد و از طرف دیگر به درک روز افزون زنان از حقوق خود و بی میلی آنها به ماندن و به هر قیمتی زور را تحمل کردن اشاره دارد. آمار سال ۱۳۸۴ نشان میدهد که درصد طلاق نسبت به سال قبل افزایش یافته است. بررسی آمار دولتی ایران نشان میدهد که از نظر میزان رشد درصد طلاق کشور ما در جهان رتبه اول را دارد و از نظر میزان طلاق در رتبه پنجم جهان قرار دارد. این آمار نشان میدهد که فشارهای مختلف در زندگی زناشویی و در محیط خانواده آنچنان طاقت فرسا است که تعداد بیشتری از زنان تقاضای طلاق میکنند، و علی‌رغم انواع و اقسام ممانعت‌های قانونی برای محروم کردن زنان از این حق و برای زیر سلطه نگاه داشتن آنها، در این راه موفق هم میشوند. این آمار نشان میدهد که مسایل خانوادگی و مشکلات موجود باید به طور کارشناسانه مورد بررسی قرار بگیرد و با قوانین انسانی از رابطه ای انسانی و برابر در خانواده دفاع بشود.

متأسفانه مسایل و مشکلات زنان ایرانی در مهاجرت هم ادامه پیدا میکند و برای بسیاری از زنان زندگی در زیر فشار طاقت فرسا ادامه می‌یابد. در مهاجرت مسایلی که زن را در چهارچوب رابطه ای آزار دهنده نگه میدارد با دلایل زنان در ایران برای ماندن در چنین رابطه ای تفاوت دارد. در نوشته بعد به این مطلب می‌پردازیم